**عنوان**

**تعریف استعمال مجازی**

**استاد راهنما**

**استاد قدوسی**

**پژوهشگر**

**محمد عرفان ذوالقدر**

**مقطع تحصیلی**

**پایه پنجم**

**درس پژوهشی**

**اصول 2**

**مرکز آموزشی**

**مدرسه علمیه علوی**

**سال تحصیلی**

**99-98**



از استاد گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین قدوسی بسیار سپاسگذارم چرا که بدون راهنماییهای ایشان نوشتن این مقاله بسیار دشوار بود .

از استاد گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین عابدینی جهت آموزش نحوه صحیح پژوهش سپاسگذارم .

این مقاله را بپاس زحمات پدر و مادرم گرامیم در طول سال های تحصیلم تقدیمشان میکنم .

**چکیده :**

این مقاله به بررسی و تبیین تعریف صحیح استعمال مجازی پرداخته است ، در این مقاله ابتدا به تعریف یکسری مفاهیم و کلیات مورد نیاز پرداخته شده و سپس تعاریف مشهور و غیر مشهور ، اصولین و بلاغیین در رابطه با مجاز ذکر شده و در پایان نتیجه گیری شده است.

لازم به ذکر است که از این موضوع به صورت مقدمه در علم اصول فقه بحث می شود و به صورت مستقل در علم بلاغت مورد توجه قرار میگیرد . که ما در این پژوهش قصد داریم از هر دو منظر علم اصول فقه و علم بلاغت آن را مورد بررسی قرار دهیم .

**کلید واژه :**

اصول ، بلاغت ، بیان ، استعمال ، حقیقت ، مجاز

فهرست :

[مقدمه : 1](#_Toc36113410)

[فصل اول 2](#_Toc36113411)

[مفاهیم و کلیات 2](#_Toc36113412)

[تعریف وضع 2](#_Toc36113413)

[تعریف معنای موضوع له 2](#_Toc36113414)

[تعریف استعمال 2](#_Toc36113415)

[تعریف قرینه 3](#_Toc36113416)

[فصل دوم 4](#_Toc36113417)

[تعریف مشهور 4](#_Toc36113418)

[تعریف بلاغیین 4](#_Toc36113419)

[نظر تفتازانی 4](#_Toc36113420)

[تعریف اصولیین 5](#_Toc36113421)

[نظر مرحوم نائینی 5](#_Toc36113422)

[نظر مرحوم مظفر 5](#_Toc36113423)

[فصل سوم 6](#_Toc36113424)

[تعریف غیر مشهور 6](#_Toc36113425)

[تعریف بلاغیین 6](#_Toc36113426)

[نظر سکاکی 6](#_Toc36113427)

[تعریف اصولیین 7](#_Toc36113428)

[نظر آیت الله بروجردی 7](#_Toc36113429)

[نظر مرحوم امام خمینی 7](#_Toc36113430)

[نظر آقای سبحانی 8](#_Toc36113431)

[نتیجه : 9](#_Toc36113432)

[فهرست منابع و مآخذ : 10](#_Toc36113433)

# مقدمه :

ما شیعیان برای استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلی نیاز به یادگیری یکسری قواعد داریم که علم اصول فقه متکفل بحث از بخشی از این قواعد شده است.

مباحث علم اصول به چهار قسم تقسیم می شود :

1- الفاظ

2- ملازمات عقلیه

3- حجج و امارات

4- اصول عملیه

در بحث الفاظ به یکسری مباحث لغوی نیاز است که لغویین از آن مباحث یا اصلا بحث نکرده اند یا به اندازه کافی بحث نکرده اند یا بحث آنها مورد قبول اصولیین واقع نشده ، و اصولیین ناچار شده اند از باب مقدمه این مباحث را مورد توجه قرار داده اند . که یکی از این مباحث شناخت تعریف صحیح استعمال مجازی و تمییز آن استعمال حقیقی است.

پس ما برای استنباط درست نیاز به دست یافتن به تعریف درستی برای استعمال مجازی خواهیم داشت.لازم به ذکر است که از این موضوع به صورت مقدمه در علم اصول فقه بحث می شود و به صورت مستقل در علم بلاغت مورد توجه قرار میگیرد . که ما در این پژوهش قصد داریم از هر دو منظر علم اصول فقه و علم بلاغت آن را مورد بررسی قرار دهیم .

# فصل اول

# مفاهیم و کلیات

## تعریف وضع

به جعل و اختصاص یک لفظ به یک معنا وضع می گویند ، وضع به دو گونه تعیینی و تعیّنی است ، اصل در دلالت الفاظ بر معانی این است که ناشی اط جعل و تخصیص باشد که در این صورت وضع را تعیینی مینامند . وگاهی دلالت ناشی از اختصاص لفظ معنا است از کثرت استعمال تا حدی که وقتی زمانی که لفظ شنیده می شود ذهن ها به معنا انتقال پیدا کند ، در این حال به وضع تعیّنی می گویند.

## تعریف معنای موضوع له

معنای ملحوظی است که واضع لفظ را در مقابل آن قرار می دهد ، واضع ابتدا معنا را تصور کرده ، سپس لفظ را نیز تصور میکند ، تا بتواند این دو را در مقابل هم قرار دهد.

## تعریف استعمال

به القای لفظ و اراده معنا استعمال گویند یا به عبارت دیگر به کارگیری لفظ به قصد خطور دادن و ایجاد معنا در ذهن شنونده را استعمال گویند.

## تعریف قرینه

قرینه از مقارنه گرفته شده، و به معنای هر چیزی است که همراه کلام بوده و مخاطب را به آن معنایی که مراد جدی متکلم است، راهنمایی می‌کند؛ به بیان دیگر، هر آن چیزی است که به مطلوب اصلی متکلم اشاره نموده و بیان گر مراد جدی او است، به گونه‌ای که اگر آن نباشد، معنای دیگری که مراد متکلم نیست، افاده می‌گردد.

# فصل دوم

# تعریف مشهور

## تعریف بلاغیین

نظر تفتازانی : ایشان در مختصر المعانی می گویند مجاز در اصل بر وزن مفعل است از جاز یجوز یعنی کلمه از معنای اصلی خودش تعدی و تجاوز کرده.

تفتازانی مجاز را دو گونه میداند مفرد و مرکب و مجاز مفرد که محل بحث ماست را تعریف می کند به کلمه مستعمله در غیر ما وضع له ، قید (مستعمله) زده شده برای احتراز از کلمه قبل از استعمال ، زیرا کلمه قبل از استعمال نه مجاز است نه حقیقت و قید (غیر ما وضع له) زده شده تا حقیقت را خارج کند .

و قید (فی اصطلاح به التخاطب) یعنی ممکن است کلمه صلاه که در حقیقت به معنی دعاست در یک عرف خاص مثلا عرف شرعی اصطلاحا به معنی نماز به کار برود پس در نزد این عرف صلاه به معنی دعا ، مجازی است.

تفتازانی برای اینکه استعمال مجازی صحیح باشد وجود علاقه بین معنای حقیقی و معنای مجازی را شرط میداند و می گوید این قید مجاز غلط را در مانند : (این اسب را بگیر) در حالی که اشاره به یک کتاب باشد را خارج می کند.

همچنین مجاز باید همراه با قرینه باشد که مشخص شود معنای موضوع له اراده نشده ، این قید کنایه را خارج می کند زیرا کنایه هم در غیر ما وضع له استعمال شده ولی جواز اراده ما وضع له را هم دارا است.

اگر علاقه بین معنای حقیقی و مجازی غیر مشابهت باشد می شود مجاز مرسل و اگر مشابهت باشد، به آن استعاره می گویند.

## تعریف اصولیین

نظر مرحوم نائینی : ایشان استعمال را عبارت از القا معنی به وسیله لفظ و قرار دادن لفظ به عنوان آینه ای برای آن معنا میداند و میگوید اگر این معنا ، معنای موضوع له لفظ باشد استعمال حقیقی است و اگر معنا غیر از ما وضع له آن لفظ باشد و علاقه ای بین این معنا و معنا موضوع له باشد پس استعمال مجازی است و اما اگر بین دو معنا علاقه هم نباشد استعمال غلط است.

نظر مرحوم مظفر : استعمال لفظ در معنای موضوع له حقیقت است و استعمال لفظ در غیر معنا موضوع له ای که مناسب با لفظ باشد مجاز است و استعمال لفظ در معنای غیر مناسب غلط است ، مرحوم مظفر این تعابیر را محل وفاق میدانند.

و میگویند اختلاف در این است که صحت استعمال مجازی متوقف بر ترخیص واضع و ملاحظه علاقه های ذکر شده در علم بیان است یا صحتش متوقف بر طبع انسانی و تابع استحسان ذوق سلیم است پس هر معنا غیر موضوع له که مناسب معنا نوضوع له باشد و طبع آن را حسن بداند استعمال آن لفظ در آن معنا صحیح است یا خیر ؟

که مرحوم مظفر در اینجا قائل به قول دوم می شوند و استدلال میکنند به این که ما صحت استعمال اسد در معنای رجل شجاع را درک میکنیم ، هر چند که واضع از این استعمال منع کند. و غلط بودن استعمال اسد را برای کسی که دهانش بوی بد می دهد درک میکنیم ، هر چند که واضع رخصت به این استعمال بدهد.

# فصل سوم

# تعریف غیر مشهور

## تعریف بلاغیین

نظر سکاکی : ایشان در تعریف وضع می گوید : (الوضع عبارة عن تعيين اللفظة بإزاء معنى بنفسها) و میگویند :قید بنفسها در تعریف ذکر شده تا احتراز بشود از مجاز زمانی که معین می کنیم آن را بازا آنچه اراده شده بوسیله قرینه ، پس این را دیگر وضع نمی نامیم.

دلالت کلمه بر معنا موقوف بر وضع است ، و وضع تعیین کلمه است بازا معنا بنفسه و همچنین دلالت معنا بر معنا غیر ممتنعه است ، پس می شود کلمه را یک بار به معنایی که موضوع له آن کلمه است استعمال کرد و می شود به معنای معنای آن کلمه استعمال کرد بوسیله قرینه و مبنای حقیقت و مجاز این است .

 ایشان میگوید استعمال حقیقی استعمالی است که لفظ استعمال شده در آنچه موضوع له آن لفظ است بدون تأویل در وضع مثل استعمال اسد برای حیوان وحشی که اسد وضع شده برای حیوان وحشی حقیقتا و بدون تأویل در وضع ، و این قید را ذکر کرده تا بوسیله این قید از استعاره احتراز بشود.

و استعمال مجازی ، استعمال کلمه است در غیر موضوع له بالتحقیق ، استعمال در غیر به نسبت نوع حقیقی آن کلمه ، همراه با قرینه که مانع بشود از اراده معنی حقیقی ، در اینجا قید بالتحقیق را ذکر کردیم که استعاره از تعریف خارج نشود

## تعریف اصولیین

نظر آیت الله بروجردی : ایشان مجاز را از ریشه جاز شی یعنی عبره میدانند و میگویند این نامگذاری به این دلیل است که معنی موضوع له محل عبور ذهن و انتقالش به معنی غیر موضوع له است. پس لفظ مطلقا در غیر موضوع له استعمال نمی شود.

آیت الله بروجردی میگویند : در وقتی ما میگوییم حاتم امد و منظور ما این است که شخص سخاوت مندی آمده است ، لفظ حاتم را در همان معنای حقیقی یعنی شخص معروفی از قبیله بنی طی استعمال کردیم ولی می خواهیم ذهن را از آن شخص معروف (حاتم) به این فردی که آمده منتقل کنیم. با این ادعا که این فردی که آمده با حاتم اتحاد دارد.

پس فرق حقیقت و مجاز این است که استعمال حقیقی احضار معناست در ذهن و اثباتش در ذهن ولی استعمال مجازی احضار معنا است در ذهن برای اینکه عبرتی باشد برای یک معنای دیگر ، به ادعا این که این معنا با آن معنا موضوع له اتحاد دارد ، و اگر غیر از این باشد وجهی برای صحیح بودن استعمال وجود ندارد. و اگر فرد بخیلی بیاید و ما بگوییم : (جا حاتم) این استعمال مضحک می شود ، هر چند استعمال که بدعوی اتحاد باشد.

و شاهد بر این ادعا ما به غیر از شهادت وجدان سلیم ، در مثال هایی است که عده ای از الفاظ باهم یک معنای خاصی را میدهند ، در حالی که از هیچ کدام از این ها اراده معنا مجازی نشده ، بلکه از مجموع اینها هم اراده معنا مجازی نشده و امکان ندارد که بگوییم مجموع مستعمل فیه است ؛ مثل قول خداوند تعالی (وَ لَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَ رَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا (سوره اعراف آیه 149)) که حکایت ازقوم موسی دارد و ندامتشان از پرستیدن گوساله ، پس خداوند از ندامت و حشت آنها تعبیر کرده به (سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ) با ادعا اینکه وحشت آنها اتحاد دارد با وحشت کسی که ناگهان چیزی در دستش میافتد و میترسد و در این مثال معلوم است که همه ی الفاظ جمله در معنای اصلی خود به کار رفته اند و از انها احضارر معنا جمله در ذهن اراده شده و عبور از آن معنا به معنای مجازی مقصود اراده شده .

نظر مرحوم امام خمینی : ایشان در تهذیب الاصول ابتدا به بیان تعریف دیگران میپردازند و میگویند : همه ادبا به جز یکی از آن ها ، مجاز را استعمال لفظ در غیر ما وضع له میدانند با یک علاقه معتبر و قرینه معاند . و فقط سکاکی در یکی از اقسام مجاز یعنی استعاره نظر دیگری دارد و میگوید : در استعاره لفظ در معنای حقیقی بکار رفته و تصرف در یک امر عقلی است و آن امر عقلی قرار دادن فرد ادعایی به عنوان یکی از افراد معنای موضوع له است و استدلال میکنند به اینکه اگر این ادعا صحیح نباشد دیگر تعجب از استعاره صحیح نیست.

بعضی در جواب گفته اند تعجب ناشی از فراموش کردن تشبیه ، برای ادا شدن حق مبالغه است ؛ ولی این قول مردود است زیرا اگر آن ادعایی که ما گفتیم نباشد چیزی نیست که سبب فراموشی تشبیه و ادا شدن حق مبالغه شود بلکه همان ادعا سبب فراموشی تشبیه و ادا شدن غرض از مبالغه می شود .

سپس مرحوم امام به بیان قول مرحوم اصفهانی میپردازند و میگویند خلاف انصاف است که در این باره قبل از فهمیدن نظر مرحوم اصفهانی رایی صادر کرد.

و کلام مرحوم اصفهانی این است که : لفظ در همه ی مجاز ها ، استعاره باشد یا مجاز مرسل ، مفرد باشد یا مرکب ، کنایه باشد یا غیر کنایه ، استعمال نمی شود مگر در ما وضع له ؛ و تطبیق ما وضع له بر غیر ما وضع له در کلیات بوسیله این است که ما فرد را ادعایی را از افراد معنای موضوع له ادعا می کنیم و در اعلام فرد ادعایی را نفس موضوع له ادعا می کنیم و مراد جدی در قول مرحوم اصفهانی بر خلاف سکاکی غیر از مراد استعمالی است .

سپس امام میفرمایند : بالجمله حقیقت مجاز چیزی بجز تبادل معانی و بازی با معانی نیست و مجاز معانی را توسعه میدهد تا شامل چیزهایی که لفظ شامل آنها نمی شود نیز بشود ولکن بعد از ادعا اینکه این فرد ادعایی جز افراد معنای موضوع له است.

این قولی که امام در اینجا اختیار کردند فقط مخصوص استعاره نیست بلکه در رابطه با همه انواع مجاز است یعنی مجاز هایی که علاقه در آنها مشابهت نیست را هم شامل می شود مثلا در اطلاق قریه به اهل قریه ، ما قریه را قابل سوال تخیل میکنیم .

نظر آقای سبحانی : ایشان در الموجز ابتدا نظر مشهور را یانگونه شرح می کنند : مجاز استعمال لفظ است و اراده غیر ما وضع له ، همراه با وجود علاقه بن موضوع له و مستعمل فیه، مثل اطلاق اسد و اراده رجل شجاع . هنگامی که علقه مشابهت باشد به آن استعاره می گویند و اگر علقه غیر از مشابهت باشد به آن مجاز مرسل گویند مثل اطلاق جز و اراده کل مثل عین و رقبه.

سپس میگویند ولی نظر دیگری هم وجود دارد که نظر صحیح است و آن این است که لفظ هر چند که استعمالش حقیقی باشد یا مجازی در ما وضع له استعمال شده ، با این تفاوت که در استعمال حقیقی لفظ در موضوع له استعمال شده بدون هیچ ادعا و مناسبتی ولی در استعمال مجازی لفظ در موضوع له استعمال شده با این ادعا که فرد ادعایی از مصادیق موضوع له است.

پس اگر غایت کلام تفهیم معنی موضوع له باشد پس استعمال حقیقی است و اگر کلام ، مقدمه و مرآتی برای تفهیم فرد ادعایی باشد ولو به وسیله قرینه پس استعمال مجازی است.

# نتیجه :

آن چیزی که باعث تعجب مخاطب و افزایش تاثیر کلام در مجاز می شود این است که ما در کلیات ، فرد ادعایی را یکی از افراد موضوع له بدانیم یا در اعلام ، فرد ادعایی را خود فرد موضوع له بدانیم . و اگر غیر از این باشد وجهی برای صحت استعمال یک لفظ در غیر معنای موضوع له وجود ندارد .

# فهرست منابع و مآخذ :

1. سبحانى تبريزى/جعفر/ الموجز في أصول الفقه / موسسه الامام الصادق( ع) / چاپ: چهاردهم / 1387 ش / ایران. قم
2. مظفر/ محمد رضا/ أصول الفقه/ انتشارات اسلامى/ چاپ: پنجم/ 1430 ق/ ایران.قم
3. بروجردى/ حسين/ لمحات الأصول/ چاپ: اول/ 1421 ق/ ایران.قم
4. امام خمينى/ روح الله/ تهذيب الأصول/ چاپ: اول/ 1423 ق/ ایران.تهران
5. نائينى/ محمد حسين/ أجود التقريرات/ چاپ: اول/ 1352 ش/ ایران.قم
6. تفتازانى/ مسعود بن عمر/ مختصر المعاني (تفتازاني)/ دار الفكر/ چاپ: 3/ 1376 ه.ش/ایران.قم
7. سكاكى/ يوسف بن ابى بكر/ مفتاح العلوم/ دار الكتب العلمية/چاپ: 1/لبنان.بیروت